

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

مروری بر جلسات گذشته:

بحث ما درباره ی فرمایشات حضرت امام ذیل آیه ی اوفوا بالعقود بود. قسمتی از سوالاتی که در آیه ی اوفوا باقی ماند، مربوط به فرمایشات محقق نائینی می شد که جلسه ی گذشته از زبان حضرت امام آن را نقل کردیم و تقریباً فرمایش محقق نائینی نقد شد. عرض کردیم که قسمت اصلی فرمایش حضرت امام می ماند. قسمت اصلی اش این بود که ببینیم عقد و عهد از نظر امام چه معانی دارند و چه نسبتی بین عقد و عهد وجود دارد و آیا در عقد، حیث عهد مشدد مطرح است یا نه؟ چیزی که با محقق نائینی بحث کردیم این ها نبود. بحثی که با محقق نائینی داشتیم این بود که حتی اگر بگوییم عقد، عهد مشدد است آیا در تشدیدش لفظ دخالت دارد یا نه! تا معاطاة برود بیرون؟ این را تقریباً امام توضیح دادند که اگر ما عقد را عهد مشدد هم بدانیم و تسلیمش بشویم – که آن جا بررسی اش نکردیم و امروز می خواهیم بررسی اش را شروع کنیم – ما نمی توانیم برای لفظ دخالتی در این تشدید قائل شویم. توضیحات مفصلی دادند. گفتند اولاً تشدید در مثل بیع معنا ندارد. چون ما بیع را مسبب معنا می کنیم و امر مسبب دائر بین وجود و عدم است. اگر هم سبب ببینیم در سبب تشدید وجود ندارد. ثانیاً این که محقق نائینی دلالت التزامی درست می کرد را ما بحث داریم. آیا لزوم لازمه ی معنای عقد است؟ حالا این معنا چه با لفظ بیاید چه با فعل؟ خب اگر این طور است پس لفظ چه

کاره است؟! خود آن معنا که محقق شد لزوم از آن در می آید طبق بناء عقلاء. یا لفظ می خواهد در این دلالت دخالت کند که خب ما نحوه ی دخالت لفظ را نفهمیدیم. نهایتاً هم گفتند که اگر یک چیزی مثل مصافقه بخواید دخالت کند معنایش تفصیل در معاطاة است. این بحث ها را با محقق نائینی جمع کردیم و کنار گذاشتیم. اما چیزی که باقی ماند این است که بالاخره عقد و عهد از نظر خود ایشان چیست؟ نسبت این ها با هم چه چیزی است؟

ابهام در جمع بندی عبارات کتاب البیع و تقریرات تلامذه ی امام در نسبت سنجی بین عقد و عهد:

متأسفانه در این جا در فرمایشات حضرت امام یک ابهامی وجود دارد. عبارات تقریرات ایشان با عبارات کتاب البیع ایشان یک تفاوتی دارد. از توضیحاتی که در کتاب البیع می دهند می خواهند نتیجه بگیرند که نسبت بین عقد و عهد، عموم و خصوص من وجه است. صریح عبارت ایشان در بیع همین است که نسبت بین عقد و عهد که معنأ مخالف هم هستند، عموم و خصوص من وجه است. در تقریراتی که از مرحوم آقای قدیری چاپ شده است، عموم و خصوص من وجه نیست. تعبیری دارند که به عموم و خصوص مطلق خیلی نزدیک است.

در تقریراتی که از مرحوم آقای خرم آبادی است، تعبیر صدق فی الجملة هست. پس این یک نکته که ابهامی در فرمایشات حضرت امام وجود دارد.

نکته ی دیگر این است که امام اشکالی به صاحبی المجمعین می گیرند که قبلا هم اشاره کرده ام. هر دو گفته اند که عقد، عهد مشدد است و وقتی خواسته اند که نتیجه بگیرند گفته اند هر عهدی عقد است. امام آن جا گفته اند خب این یعنی چه؟! اگر عقد، عهد مشدد است پس عهد خاص می شود و عقد عام می شود.

بعد خواسته اند بگویند که این اشکال به عبارت محقق اصفهانی در حاشیه ی مکاسب هم وارد است. لذا امام تعابیری دارند - که ملاحظه می کنید - که خیلی متأثر از فرمایشات محقق اصفهانی هستند. ولو این که به ایشان این اشکال را می گیرند ولی خیلی متأثر از فرمایشات ایشان است. هم تا حد زیادی در معنای عقد و عهد و هم در معنای وفاء. خاطرتان باشد ما گفتیم که باید تکلیفمان با وفاء روشن شود تا معلوم شود که این اوفوا می خواهد چه کار کند.

لزوم بررسی عبارات محقق اصفهانی برای فهم عبارات امام:

لذا به نظر آمد که برای این که با این بخش از فرمایشات امام خوب آشنا شویم، مثل بخش اول که گفتیم این ها ناظر به فرمایشات محقق نائینی است و اول فرمایشات محقق نائینی را خواندیم و بعد فهمیدیم که امام کجای فرمایش محقق نائینی را اشکال می کند، همین طور اجاز بدهید که من اول فرمایش محقق اصفهانی را در این بخش معنای عقد و عهد و نسبت این ها با هم، یک توضیحی بدهم تا بعد ببینیم که امام چه فرموده اند. چون واقعا عبارات ایشان در این جهت، اندماج دارد. آدم برای

این که مطمئن شود عبارات ایشان را می تواند لمس کند و بفهمد، اقلا این عبارات را باید داشته باشد. پس ما برای توضیح سوال اول و دوممان وارد فرمایشات محقق اصفهانی می شویم.

تفسیر محقق اصفهانی از عهد:

محقق اصفهانی در حاشیه ی مکاسب در صفحه ی ۱۴۳ از جلد اول که انتشارات دارالمصطفی چاپ کرده است در حاشیه ی ۸۳، توضیحی دارند که ماحصل آن این است که عهد به نظر ما یعنی جعل و قرار و لو قلبا و می خواهند بفرمایند که در معنای عهد، این جعل و قرار و لو قلبا، وجود دارد. در همه ی معانی اش. چه آن جعل از مناصبی باشد مثل "إنی جاعلک للناس اماما" که خداوند منصب امامت را جعل کرده است. این جعل، جعل منصب است. ولی جعل منصب را محقق اصفهانی می فرماید ذیل "لا ینال عهدی الظالمین" آورده است. عهد این جا یک معنایی باید داشته باشد که با منصب متناسب باشد. گاهی وقت ها، آن جعل، جعل تکلیف است. مثل دستوری که به ابراهیم و اسماعیل می دهد "أن طهرا بیتی للطائفین و العاکفین و الركع السجود" منتهی این تکلیف بعد از "و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل" می آید. عهد است. اما این عهد، معنایش تکلیف است. جعل تکلیف است. "عهدی الظالمین" عهد است و معنایش جعل منصب است. ایشان می گوید عهد یعنی جعل و قرار، لذا اگر شما همه را بررسی کنید ملاحظه می کنید که معنای عهد، جعل و قرار است. لذا تکالیف خداوند، عهد

خداوند است که خداوند آن ها را جعل کرده و قرار داده است. مناصبی که خدای متعال جعل کرده است مثل منصب امامت، منصب خلافت، منصب زعامت، این ها هم عهد به این معنای عام هستند.

تفسیر محقق اصفهانی از معنای لغوی عقد:

بعد می فرمایند عقد یعنی ربط. حالا یا مطلق ربط شیء بشیء است یا ربط موثق و ربط محکم است. بعد هم مثال هایش را می آورند. می گویند لذا اگر در آیه ی شریفه آمده است "و النفاثات فی العقد" این عَقْد جمع عقد است و عقد را هم بعضی ها گفته اند یعنی آن ربط موثق که گره باشد. یا آیه ی "و احلل عقدة من لسانی" این عقده و گره یک نوع ربط است. و همین طور مثال ها را آورده اند. من نمی خواهم طول بدهم. ایشان می فرماید این معنای لغوی عقد است.

معنای اصطلاحی عقد از دیدگاه محقق اصفهانی:

بعد می گویند اما در اصطلاح، عقد را در مقابل ایقاع قرار می دهند. عقد، ربط طرفینی است. ایقاع، ربط یک طرفی است. لذا معنای اصطلاحی عقد، ربط طرفینی است. معنای لغوی عقد، مطلق ربط است یا مطلق ربط موثق است. در اصطلاح فقهاء عقد که می گویند ربط است اما ربط خاص طرفینی است. ربط دو تا اعتبار است مثلاً.

نسبت بین معنای لغوی و اصطلاحی عقد از دیدگاه محقق اصفهانی:

لذا ایشان می فرماید که معنای اصطلاحی عقد، اخص از معنای لغوی عقد است. به خاطر این که معنای اصطلاحی عقد یک ربط طرفینی آن هم در وعاء امور اعتباری شد. الان که عقد که می گوئیم در مقابل ایقاع به کار می بریم. عقد ربط طرفینی است ولی ایقاع ربط یک طرفه است. اما معنای لغوی عقد را که نگاه می کنید یا مطلق ربط است یا مطلق ربط موثق است. لذا تعبیرشان این است:

و إلا فبحسب المفهوم اللغوی لا اختصاص له بالاعتباریات...

نسبت سنجی بین عقد و عهد از دیدگاه محقق اصفهانی:

فضلا از ارتباط دو تا اعتبار به هم. بعد محقق اصفهانی می گویند از این توضیحی که دادم و حاصلش این شد که عهد یعنی جعل و قرار و عقد یعنی ربط شئی بشئی حالا یا ربط موثق یا مطلق ربط، محقق اصفهانی می گویند که اگر این نکته را دقت کنید متوجه می شوید که اگر بخواهید به حسب لغت نگاه کنید، وضعیت بر عکس اصطلاح است. به حسب لغت، هر عهدی عقد است. چون هر عهدی جعل و قرار است، و در قرار، ربط هست. لذا شما می توانید به حمل شائع بگویید در هر عهدی و در هر جعلی، ربطی وجود دارد. اما و لا عکس! نمی توانید بگویید در هر ربطی عهدی هست. نمی توانید بگویید در هر عقدی، عهدی هست. شما می توانید بگویید در هر عهدی، یک ربطی که اسمش عقد بود وجود دارد اما اگر برعکسش کنید، عقد مطلق ربط است چه اعتباری و چه حقیقی، شما نمی توانید در هر عقدی، قائل به ربطی که در جعل و قرار گذاشته اید شوید؛ آن ربط، ربط اعتباری است. لذا با دقت می خواهد این ها را جدا کند و بگوید هر عهدی یعنی هر جعل و قرار، عقد است. یعنی

ربط است. این درست است. چون وقتی جعل کردید و قرار دادید این جعل، ربطی ایجاد می کند بین این شیء شما و این مجعول شما. ولی اگر برعکسش را بخواهید بگویید که کلّ عقدِ عهد، این را نمی توانید بگویید. چون عهد، ربط اعتباری و جعلی است. عقد، اعم بود. ربط تکوینی یک چیزی به چیزی دیگر را شما عقد می دانید.

- منصب امامت اعتباری است؟

- فعلا کاری به مصادیقش نداریم تا بعدا. فعلا کبرایش را تعقل کنید.

ما از معنای لغوی عقد، در آوردیم که عقد، ربط است ولی ربطش اختصاصی به ربط اعتباری ندارد. وقتی عقد ربط است و اختصاصی به ربط اختصاصی نداشته باشد شما می توانید هر عهده عقد است اما نمی توانید بگویید هر عقدی عهد است.

- می شود بیان مجمعی؟

- نه. ایشان خودش بعدا بیان مجمعی را نقد می کند.

- یک تشکیک قائل می شوند؟

- نه. اصلا. گفتیم أو الموثق. فعلا با هر کدام کار کنید این درست است. الان با مطلق ربط گفتم درست بود. با موثق هم می گویم. شما بگویید عقد، ربط موثق است. ولی ربط موثقی که می تواند تکوینی باشد می تواند اعتباری باشد. پس چون در هر عهده ربط اعتباری هست، عقد هست. اما برعکسش را نمی توانید بگویید که هر عقدی عهد است. چون عقدها می توانند

ربط تکوینی باشند. اگر ربط تکوینی باشد دیگر عهد صدق نمی کند. مجمعی از ایشان جدا می شوند. لذا بعدا خواهید دید که اشکال امام به محقق اصفهانی یک مقداری سخت می شود. ولو اشکال امام به مجمعی وارد است. بعد هم امام نسبتی که ایشان می گویند را قائل می شوند. نسبت بین عقد و عهد را من وجه می دانند. حرفشان حرف حساب می شود و نسبت هم من وجه می شود نه مطلق خلافا للبقیه. ولی اشکال امام واضح نمی شود.

لذا محقق اصفهانی می گویند اگر کسی گفت عقد یعنی ربط و این ربط اعم از تکوینی و اعتباری است و عهد جعل و قرار است. و در هر جعل و قرار، یک نوع ربط اعتباری هست. بر این اساس شما می توانید بگویید کل عهد عقد و لا عکس. البته بر اساس معنای لغوی.

بعد ایشان می گویند اما اصطلاحا درست است که بگویید کل عقد عهد و لا عکس. کأن امام در فضای اصطلاح رفته اند در حالی که خود محقق اصفهانی اصطلاح را گفته است. ایشان می گویند وارد اصطلاح که می شوید می توانید بگویید هر عقدی - عقد در مقابل ایقاع - عهد است. یعنی ربط اعتباری در آن هست. چون عقد، ربط اعتباری طرفینی است. ولی هر ربط اعتباری که اسمش عهد است، عقد نیست. چون ربط های اعتباری می توانند طرفینی باشند، می توانند یک طرفی باشند. قرار شد عهد را جعل بدانیم و ربط اعتباری در آن قائل شویم. ایشان درست می گوید. لذا می فرمایند:

فکل عهد عقد لغة و لا عکس و أما اصطلاحا فکل عقد عهد و لا عکس.

پس حیث عقد، ربط اعم از تکوینی و اعتباری شد. شما یک چیزی را که با طناب هم می بندید، ربط است. دو تا طناب را هم که به هم می بندید ربط است. عقد است. گره است. گره لسان هم گره است. ربط است. اگر ربط اعم از تکوینی و اعتباری شد، این معنای لغوی عقد است. عقد اصطلاحی در مقابل ایقاع به کار می رود. ربط اعتباری طرفینی است. عهد را که بررسی می کنم می بینم که عهد، جعل و قرار است. منتهی در هر جعلی و در هر قراری، یک ربط اعتباری وجود دارد لذا من مجاز هستم که بگویم كل عهد عقد لغةً.

اشکال محقق اصفهانی به تعبیر مجمعین در نسبت سنجی بین عقد و عهد:

بعد ایشان می فرماید که اگر کسی این را خوب یاد بگیرد می فهمد که صاحبی المجمعین اشتباه کرده اند که گفته اند که عقد، عهد مشدد است. خیر! عقد، مفهوماً با عهد مبائن است. حیثیت هایشان دو تاست! ولو تصادق فی الجملة دارند که نسبتشان عموم و خصوص من وجه می شود. می گویند اگر کسی گفت عقد عهد مشدد است در لغت اشتباه کرده است. چون ما گفتیم که حیثیت عهد، حیثیت جعل و قرار است. حیثیت عقد حیثیت ربط است. این ها دو حیث هستند. شیء واحد دو حیثیت در آن وجود دارد. از حیثیت جعل و قرار، به آن عهد می گویند. از جهت ربط به آن عقد می گویند. پس نمی توانم بگویم این ها مفهوماً یکی هستند. صاحب مجمع البیان و صاحب مجمع البحرین اشتباه کرده

اند که گفته اند عقد، عهد است یا مطلقا یا عهد مشدد است. انصافا از اول کسانی که فرق مفهوم و مصداق را خوب حساس شده است، محقق اصفهانی است. لذا می گویند:

و منه تبیین إن ما عن بعض أهل اللغة من أن العقد هو العهد أو المشدد وهم منه بل هما متبائن مفهومًا و يتصادقان أحيانا.

حالا امام همین يتصادقان أحيانا را قائل است لذا در کتاب البیع شان گفته اند نسبت من وجه دارند و هیچ کدام از مقرریشان این را صاف نگفته اند. چرا؟ چون حیثیت عقدی، حیثیت ربط است و حیثیت عهدی، حیثیت جعل و قرار است. شما در عقد بیع، یک حیثیت جعلی دارید که قراری از جانب بائع و قراری از جانب مشتری است. یک حیثیت ربطی دارید که ربط طرفینی است به اصطلاح. دو تا ربط است.

- جعل اعتباری را هم شامل می شود؟

- حیثیت جعل فرق کرد. مصداقا یکی می شوند. آن حیثیت قرار جعل شد. خود قرار دادن و جعل کردن و اعتبار کردن را ایشان می گویند عهد است. وقتی عهد، جعل و قرار شد، حیثیت قرار از حیثیت ربط جدا است. ولو با هم می آیند اما فی الجملة. فی الجملة اش را هم باید درست کنیم. چون این که امام آن جا گفته اند من وجه است دیدیم ریشه اش همین است اما نمی دانم چرا یک جایی ذهن شریفشان سراغ اصطلاح رفته است و اشتباه کرده اند. الان در سیستم محقق اصفهانی این درست می شود و صدق فی الجملة هم دارند. مثلا در همین عقود

خودمان، هم عقد صادق است چون ربط هست، چون ربط اعم از حقیقی و اعتباری است. هم جعل صادق است چون معلوم است که در این جعل، یک نوع ربط دخیل بوده است. این جا که این ربط بود، در این ربط، حیث جعل هم وجود دارد. پس درست است. در تکوینیات جعل صادق نیست. لذا عهد صادق نیست. اما عقد یعنی ربط صادق است.

- مورد افتراق عهد چیست؟

- الان ما مورد اجتماع داشتیم. در همین عقود خودمان که هم عهد هستند و هم عقد هستند. ایقاع فقط عهد است. عقد اصطلاحی نیست. ایشان در صدق خارجی سراغ همین اصطلاحی رفته اند. یعنی می گویند شما با توضیحاتی که من داده ام در ایقاع ها می بینید که ربط دارید اما ربطین ندارید.

- اگر رفتیم داخل اصطلاح دیگر نمی توانیم مورد افتراق عقد و عهد را....

- در ارزیابی فرمایش ایشان این را عرض می کنم. اما سازمان فرمایش ایشان این است که در عقد، چون ربط طرفینی است صدق فی الجملة ی عقد و عهد درست است اما صدق من وجه است. یک جایی ربط تکوینی دارید اما عهد ندارید. یک جایی ربط اعتباری دارید که عهد بر آن صدق کند اما عقد بر آن صدق نمی کند.

- در ربط تکوینی دیگر از اصطلاحی بحث نمی کنیم چون اصطلاحی مان فقط اعتباری شد.

- بله درست می فرمایید. عرض کردم که در ارزیابی فرمایش ایشان و نسبت سنجی با فرمایش امام به این می رسیم.

- یکی از مصادیق عهد را گفتند تکالیف الهی یا مناصب است. آیا این ها می تواند مورد افتراق باشد؟
- خب ایشان معتقدند که در مناصب هم ربط وجود دارد. برای خروج آن ربط از عقد، باید عقد طرفینی باشد تا آن ربط بیرون برود. ایشان گفت که تکالیف الهی عهد الهی هستند. مناصب الهی عهد الهی هستند. چون به آن ها جعل خورده است. جعل که به آن بخورد یعنی ربط خورده است. اما ربط یک طرفی است. شما برای این که این را از مطلق ربط خارج کنید باید عقد را اصطلاحی کنید. سیستم ایشان همین است. یعنی وقتی به عقد نگاه اصطلاحی کنید این طوری است. اما اگر نگاه اصطلاحی نکنید - این هایی که می گویم قرینه ی عبارتی ایشان است - عقد اعم است. لذا تعبیرشان این بود: " و منه علم أن الامر بحسب اللغة علی العکس مما علیه الاصطلاح فإن العهد بحسب مفهومه اللغوی لا یخلو عن ارتباط بالاضافة الی ما تعلق به القرار دون العقد بحسب مفهومه اللغوی فإنه یعم العهد و غیر العهد " لذا آن جا که می گویند صدق فی الجملة دارم، می روند سراغ عقدهای اصطلاحی که صدق فی الجملة را درست کنند. آن جا که می روند سراغ حیث لغوی، تصریح می کنند که عقد، اعم از عهد است. مطلق است.
- در حیث لغوی که به مجمعی نمی شود اشکال کرد.
- چرا! آن ها که مفهوما مبائن بودند. مجمعی که اصلا متعرض مفهوم نشدند. آن ها گفتند که عقد، یا مطلق عهد است یا عهد مشدد است. ما که اصلش را خراب کردیم و گفتیم که عهد، جعل است، عقد، ربط است. یعنی ما در واقع می گوئیم که دقت کنید که اگر می خواهید در

لغت بحث کنید عام و خاص مطلق به نفع عقد است نه به نفع عهد و اگر می خواهید در اصطلاح بحث کنید آن موقع عام مطلق ما عهد است و عقد به خاطر اصطلاح، خاص است. نسبت سنجی که می کنید اگر در لغت نسبت سنجی کنید یک نسبت است و اگر در اصطلاح نسبت سنجی کنید یک نسبت دیگر است.

لذا محقق اصفهانی حیث عهد را جدا می کند. حیث عقد را جدا می کند. نسبت سنجی را یک بار لغوی می کند و یک بار اصطلاحی می کند. یکی دو تا نکته ی فنی دیگر ایشان دارد که بعدا بیانش می کنیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.